

# The Effect of Political Components on the Formation of the Ansāröllāh Movement in Yemen<sup>1</sup>

Mokhtar Sheikh Hosseini<sup>1</sup>, Iman Mohammadi<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Political Science Department, Research Institute of Islamic Sciences and Culture; a member of the political studies association of the domain, Qom, Iran (**Corresponding author**).

*m.sheikhhosseini@isca.ac.ir*

2. PhD student, Department of Political Science, Bagheral Uloom University, Qom, Iran.

*imanmohammadiir@gmail.com*

## Abstract

The purpose of the present study is to review and analyze the political contexts effective on the formation and sustenance of the Ansāröllāh Movement in Yemen. The research is conducted using potentials of contextualism and the results indicate that some backgrounds such as the reflection of the Islamic Revolution upon Zaydiyyah in Yemen, the unification of Yemen, president Sāleh's support to Iraq in the Second Persian Gulf Battle, September 11<sup>th</sup> attack, and the 6 wars in North Yemen are among outstanding components leading to the formation of Ansāröllāh Movement that after Islamic Awakening transformations, improved the state of this movement to the most important political actor in Yemen. Six political backgrounds mentioned in the present research clearly specify the process of transforming Ansāröllāh from a cultural group seeking the revival of Zaydism to an influential actor in Yemen and the region.

**Keywords:** Yemen, Islamic Republic of Iran, Ansāröllāh Movement, Islamic Awakening, Islamic Movements.

---

1. **Received:** 2021/07/04 ; **Revised:** 2021/08/06 ; **Accepted:** 2021/07/04

© the authors

<http://sm.psas.ir>

**Publisher:** Political Studies Association of the Seminary

## تأثیر مولفه‌های سیاسی بر شکل‌گیری جنبش انصارالله یمن<sup>۱</sup>

مختار شیخ حسینی<sup>۱</sup>، ایمان محمدی<sup>۲</sup>

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران (نویسنده مسئول). m.sheikhhosseini@isca.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران. imanmohammadiir@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل زمینه‌های سیاسی موثر بر شکل‌گیری و تداوم جنبش انصارالله یمن است که با استفاده از ظرفیت‌های تحلیل زمینه‌گرایی انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که بازتاب انقلاب اسلامی بر زبیده یمن، اتحاد دو یمن، حمایت صالح از عراق در جنگ دوم خلیج فارس، حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱م و جنگ‌های شش‌گانه در شمال یمن از مولفه‌های سیاسی قابل توجه بر شکل‌گیری جنبش انصارالله بوده که پس از تحولات بیداری اسلامی، جایگاه آن جنبش را به عنوان مهم‌ترین بازیگر سیاسی در یمن ارتقا داده است. زمینه‌های سیاسی شش‌گانه مطرح در پژوهش حاضر به خوبی بیانگر روند تبدیل انصارالله از یک گروه فرهنگی به دنبال احیای تفکر زیدی به بازیگر تعیین‌کننده در کشور یمن و منطقه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: یمن، انقلاب اسلامی ایران، جنبش انصارالله، بیداری اسلامی، جنبش‌های اسلامی.

۱. شیخ حسینی، مختار؛ محمدی، ایمان (۱۴۰۱). تأثیر مولفه‌های سیاسی بر شکل‌گیری جنبش انصارالله یمن. *سیاست متعالیه*، ۱۰(۳۶):

ص ۳۱۳-۳۲۹. DOI: 10.22034/sm.2022.533411.1724

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴

## ۱. مقدمه

جنبش انصارالله، از مهم‌ترین بازیگران کنونی در صحنه سیاسی یمن است که با پیشینه مذهب زیدی، در دوره‌ای سی ساله توانست با رهبری بدرالدین الحوثی، حسین الحوثی و عبدالملک الحوثی از یک تفکر مذهبی در حاشیه و تحت فشار، به یک بازیگر مهم تبدیل شود. انصارالله با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران، حرکتی را در راستای احیای تفکر زیدی و مقابله با تفکر سلفی و غربی آغاز و در ابتدا مشغول فعالیت مذهبی و فرهنگی شد، ولی با گسترش اختلافات در یمن، با نام انصارالله وارد عرصه سیاسی یمن گردید و در حال حاضر نیز به عنوان یکی از بخش‌های محور مقاومت اسلامی شناخته و در چرخه انتقال قدرت در یمن نقش تأثیرگذاری دارد.

این جنبش که دهه چهارم فعالیت خود را طی می‌کند، فعالیت خود را برای احیای تفکر زیدی از مساجد استان صعده آغاز و گروه شباب المومن را تأسیس نمود. پس از اتحاد دو یمن در سال ۱۹۹۰م، انجمنی فراگیر ذیل قوانین کشور با همین نام تأسیس و با ایجاد حزب الحق وارد سیاست شد. آثار مخرب حمایت حاکمان یمن از صدام در جنگ دوم خلیج فارس، فشار بین‌المللی غرب بر یمن پس از جریان ۱۱ سپتامبر و جنگ‌های شش‌گانه مابین حکومت و انصارالله به تحکیم و متشکل شدن جنبش انجامید. سپس تحولات بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱م و قیام این جنبش از سال ۲۰۱۴م، انصارالله را به عضو تأثیرگذار محور مقاومت و مهم‌ترین بازیگر سیاسی یمن تبدیل کرد.

واقع شدن کشور یمن در مسیر آبراهه‌های بین‌المللی دریای سرخ، تنگه باب المندب، دریای عرب و همچنین همجواری با عربستان به عنوان یکی از بازیگران مقابل محور مقاومت و از صادرکنندگان بزرگ تأثیرگذار نفت در جهان باعث شده تا بررسی جنبش انصارالله و نقش آن در آینده قدرت یمن بسیار مهم باشد.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی زمینه‌های سیاسی موثر در شکل‌گیری و تداوم جنبش انصارالله است که برای تحلیل، از ظرفیت‌های نظری الگوی کونتین اسکینر<sup>۱</sup> استفاده شد. بر اساس این نظریه، خواندن متون، آثار، شناخت زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و همچنین استخراج و توجه به نیت‌ها و مقاصد افراد برای فهم حرکت یا اندیشه سیاسی بسیار مهم است. در حقیقت او بازآفرینی زمینه‌ها را در دو قسم

تعریف می‌کند، یکی بازآفرینی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و دیگری، بازآفرینی زمینه‌های فکری است (شیخ حسینی، ۱۳۹۶: ص ۳۹).

پژوهش حاضر با چارچوب قرار دادن روش اسکینر، زمینه‌های سیاسی موجود در یمن معاصر را به عنوان متغیر مستقل و شکل‌گیری و توسعه جنبش انصارالله را به عنوان متغیر وابسته، مورد تحلیل قرار داده است. از این‌رو، پس از مروری بر تحولات یمن معاصر، زمینه‌های سیاسی مهم و تاثیرگذار در شکل‌گیری انصارالله یمن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲. روند تحولات یمن معاصر

کشور یمن در جنوب غربی آسیا واقع شده و حدود ۳۰ میلیون نفر جمعیت دارد. اکثر مردم این کشور پیرو یکی از دو مذهب زیدی و شافعی هستند (عیسی، ۲۰۱۲م: ص ۱۲۹) که بر اساس برخی پژوهش‌ها نسبت زیدیه حدود ۵۰٪ است (صبری، ۲۰۲۰م: ص ۲۰۲-۲۰۳). به لحاظ جغرافیایی، شوافع در جنوب و شرق و زیدیه در شمال زندگی می‌کنند.

از مبانی مهم در مذهب زیدیه، عدم حصر امامت شیعه در تعداد معین است. لذا، امام از نظر این مذهب، بر هر سید فاطمی عالمی اطلاق می‌شود که علیه ظلم و فساد قیام نماید (الجهنی، ۱۴۲۰ق: ص ۷۸). امامان زیدی، اولین دوره حکومتی خود را در سال ۲۸۴ق. توسط هادی الی الحق، در صعده تأسیس و آخرین دوره مربوط به حکومت منصور بالله است که پس از سقوط عثمانی در ۱۳۳۷ق. تشکیل شد. کودتای عبدالله سلال از شخصیت‌های متأثر از جمال عبدالناصر در سال ۱۹۶۲م. پایان حکومت ائمه زیدی در یمن را رقم زد (جزیلان، ۱۹۸۷م: ص ۲۱۱-۲۱۷). با توجه به سرعت گرفتن وقایع تاریخی بعدی کشور یمن و تاثیر مستقیم و غیر مستقیم اتفاقات با فروپاشی حکومت امامان زیدی، می‌توان این مقطع زمانی را شروع تاریخ معاصر یمن دانست.

با سقوط حکومت امامان زیدی و ایجاد کشور یمن شمالی، جنبش‌های جنوب نیز استعمارگران بریتانیا را در سال ۱۹۶۷م. اخراج و کشور یمن جنوبی را تأسیس کردند. طی مذاکرات منتهی به سال ۱۹۹۰م، دو یمن در قالب کشور کنونی یمن، متحد شدند. با وجود اختلافات و درگیری‌ها بین جنوب و شمال، این کشور از آغاز دهه ۹۰ به صورت شبه‌دیکتاتوری توسط علی عبدالله صالح مدیریت می‌شد. بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱م، مانند بسیاری از کشورهای جهان عرب، شروع مطالبات سیاسی و اجتماعی را در

یمن به دنبال داشت که با مداخله کشورهای حاشیه خلیج فارس، طی توافقاتی به کناره‌گیری صالح منجر شد. دولت دوره گذار منصور هادی نیز نتوانست در پاسخ به مطالبات، توفیقی بدست آورد. لذا، از سال ۲۰۱۴م، جنبش انصارالله به‌مثابه نماینده جامعه، مطالبات ملت و اجرای نتایج گفتگوهای ملی را از دولت مرکزی مطالبه کرد. با استعفای منصور هادی و فرار او به عدن و سپس به عربستان، سعودی با ادعای حمایت از دولت مورد تایید کشورهای جهان، از سال ۲۰۱۵م. وارد جنگ مستقیم با یمن و جنبش انصارالله شد و این جنگ همچنان ادامه دارد.

بازیگران موثر در عرصه سیاست یمن فعلی با توجه به نقش و نفوذ کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی پس از شروع جنگ ۲۰۱۵م. رو به فزونی گذاشته است، ولی با توجه به سابقه و نفوذ سیاسی، می‌توان بازیگرانی که همچنان دارای نفوذ و تاثیر هستند را حزب اصلاح، تجزیه‌طلبان جنوب، سلفی‌های یمن و در رأس آن حزب الرشاد السلفی و القاعده، حزب موتمر الشعبی و نهاد قبيله دانست که از سال ۲۰۱۵م.، جنبش انصارالله نیز به عنوان مهم‌ترین بازیگر به آن‌ها اضافه شده است.

### ۳. مولفه‌های سیاسی موثر بر شکل‌گیری انصارالله

مهم‌ترین بازیگر کنونی در صحنه سیاسی یمن، جنبش انصارالله است که با پیشینه مذهب زیدی، در یک دوره سی ساله توانست از یک تفکر مذهبی در حاشیه، به یک بازیگر سیاسی مؤثر تبدیل شود. زمینه‌های سیاسی موثر بر شکل‌گیری آن را می‌توان تاثیر انقلاب ایران بر رهبران زیدی، وحدت دو یمن، آثار منفی حمایت صالح از صدام در جنگ دوم خلیج فارس، حادثه یازده سپتامبر، جنگ‌های شش‌گانه برخی از رهبران زیدی شمال بر علیه دولت وقت و بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱م.، تلقی کرد که در ادامه تاثیر هر کدام بر پیدایش جنبش انصارالله بررسی می‌شود.

### ۴. بازتاب انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م.، از وقایع مهم تاریخ معاصر محسوب می‌شود که تاثیر مستقیمی بر جنبش‌های اسلامی داشته است (توال، ۱۳۷۶: ص ۱۱). قیام امام خمینی توانست روحیه ضد سلطه‌گری را در کشورهای محروم زنده و باعث الگوپذیری علما و نخبگان از امام خمینی و انقلاب ایران شود. در سال ۱۹۸۲م. و پس از گذشت سه سال از انقلاب ایران، شیخ صلاح احمد فلیته، درسی را برای احیای زیدیه برای جوانان صعده آغاز و محمد بدرالدین الحوثی در حاشیه جلسات، به شرح اتفاقات رخ

داده در ایران می‌پرداخت. در سال ۱۹۸۶م. اتحاد الشباب متشکل از همان جوانان، زیر نظر مجدالدین المویدی، امام وقت زیدیه یمن و بدرالدین الحوثی شکل گرفت (الدوسری، ۱۴۳۲ق: ص ۹). این گروه پس از اتحاد دو یمن و در سال ۱۹۹۲م. با تلاش محمد یحیی سالم عزان و محمد بدرالدین الحوثی به نام *منتدی الشباب المومن*، به صورت رسمی ثبت و فعالیتش را قانونی کرد. با خروج سید حسین الحوثی از پارلمان یمن و آغاز فعالیت‌های انقلابی، وی در سال ۱۹۹۷م. به عنوان رئیس این انجمن معرفی و به تدریس مباحث قرآنی و سیاسی پرداخت (عزان، ۲۰۰۷م). وی پس از چند سال، المسیره القرآنیه را به عنوان خط‌مشی سیاسی انصارالله وضع کرد.

سفر بدرالدین الحوثی، عالم بزرگ زیدیه یمن و حامی اول ایجاد گروه شباب المومن<sup>۱</sup> به همراه پسرش، شهید سید حسین الحوثی در سال ۱۹۹۴م. به ایران را می‌توان از نشانه‌های نهادینه شدن این روابط برشمرد. سفرها و ارتباطات مستقیم بدرالدین و پسرش به ایران تا سال ۲۰۰۲م. ادامه یافت و در این زمان رابطه علمی ایشان با علمای قم به طور مداوم در جریان بوده است (شیخ حسینی، ۱۳۹۳: ص ۱۳۰). علاوه بر بدرالدین و سید حسین الحوثی، بسیاری از علمای وقت یمن همچون محمد بدرالدین، المحظوری و دیگران به صورت مداوم با ایران در ارتباط بودند (الشدوی الحسینی، ۲۰۱۵م: ص ۳۹۳-۳۹۴). تاثیر امام خمینی و انقلاب ۱۹۷۹م. ایران را می‌توان به وضوح در بیانات شهید سید حسین الحوثی، رهبر فکری جنبش انصارالله دید. ایشان درباره امام خمینی در ملازمت<sup>۲</sup> می‌گوید: «آیا ما تهدید آمریکا را نمی‌بینیم ... این شعار (مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل) را امام خمینی، آن شخص حکیم و با تقوا وضع کرد. ما در بلند کردن و برافراشتن این شعار هم کوتاهی می‌کنیم ... من او را استاد واقعی خطاب می‌کنم، استاد یعنی کسی که تربیت می‌کند و راه را نشان می‌دهد ...» (الحوثی، ۲۰۱۰م: ص ۱۶۹۰). او در قسمتی دیگر از سخنانش، توجه جهان به ایران را به دلیل امام خمینی و روحیه مطابق قرآن او برمی‌شمارد (همان: ص ۱۳۴). وی منش و تفکر امام خمینی را مقدمه اخراج آمریکا و غرب از ایران و پیشرفت‌های فعلی این کشور را ثمره آن اقدامات بیان می‌کند (همان: ص ۴۷۱). شهید سید حسین الحوثی در جای جای کلامش،

۱. بیشتر اعضای این گروه در نهایت پایه‌گذاران انصارالله در یمن شدند.

۲. سخنرانی‌های پیاده شده شهید سید حسین الحوثی پس از سال ۲۰۰۲م.

رشد و گسترش تفکر امام خمینی را بزرگ‌ترین خطر و ترس برای غرب دانسته و خود را یکی از پیروان این تفکر برمی‌شمارد (همان: ص ۶۳۵-۶۳۷). با توجه به مستندات فوق باید گفت که جنبش انصارالله، حرکت خود را با تأثیر از انقلاب اسلامی و بیانات امام خمینی آغاز و در حال حاضر خود را جزئی از محور مقاومت می‌داند.

### ۵. اتحاد دو یمن و ورود انصارالله به صحنه سیاسی

اتفاقات دهه ۶۰ میلادی حرکت به سمت یمن واحد را سرعت بخشید. در سال ۱۹۶۲م. با سقوط دولت متوکلیه در یمن شمالی، جمهوری عربی یمن در شمال تأسیس گردید (جولوبوفسکایا، ۱۹۸۲م: ص ۲۶۷-۲۷۰). در سال ۱۹۶۷م، تحت تأثیر شعارهای ناسیونالیستی جمال عبدالناصر، استعمارگران انگلستان از جنوب شبه جزیره حجاز اخراج و دولت یمن جنوبی به صورت مستقل و با نگاهی سوسیالیستی تأسیس شد (الصراف، ۱۹۹۲م: ص ۲۰۵-۲۰۸).

تمایل به اتحاد از همان ابتدا در دو یمن مشهود بود، تا اینکه در سال ۱۹۷۲م، کشته شدن جمعی از شیوخ قبایل شمال در منطقه عدن که تحت کنترل یمن جنوبی بود، جنگی محدود را شکل داد. در پس آن اتفاقات، توافقی ۱۵ ماده‌ای بین سران دو یمن، مشهور به توافق قاهره در مصر (آل العقاب، ۲۰۰۹م: ص ۳۴۱-۳۴۴) تنظیم شد که طرفین را موظف به تشکیل یمن واحد می‌کرد. این توافق، شروع گفتگوهای دوطرف برای اتحاد را به دنبال داشت، ولی تمایل‌های متضاد سیاسی شمال و جنوب به بلوک‌های شرق و غرب، مانع رسیدن به یک نتیجه واحد می‌شد.

آشکار شدن ضعف‌ها، حرکت شوروی به سمت فروپاشی از سال ۱۹۹۰م. و تمایل شدن جهان به سمت نظام تک قطبی که تأثیر مستقیمی بر امنیت منطقه غرب آسیا داشت، باعث شد یمن جنوبی خود را در یک محاصره تمام ببیند که آثار اقتصادی آن هویدا شده بود. از دست رفتن حامی قدرتمند یمن جنوبی در بلوک شرق، علی سالم البیض، رییس حکومت یمن جنوبی را برای تشدید مذاکره با علی عبدالله صالح، ترغیب کرد. مذاکرات، بنا به تعیین عدن به عنوان پایتخت اقتصادی-تجاری و صنعاء به عنوان پایتخت سیاسی به ثمر رسید و دولت یمن واحد در ۲۲ می سال ۱۹۹۰م. با توافق طرفین تشکیل شد (الجناحی، ۱۹۹۲م: ص ۵۸۹-۵۹۲).

تشکیل یمن واحد باعث شکل‌گیری حدود ۶۰ حزب سیاسی در این کشور شد. این امر، مقدمه ورود

انصارالله به سیاست بود. زیدی‌های متأثر از شباب المومن با ایجاد حزب الثورة الاسلامیه، حزب الله، حزب الحق و اتحاد القوى الشعبیه الیمنیه وارد سیاست شدند؛ اما پس از گذشت مدت کوتاهی، دو حزب اول در حزب الحق و اتحاد القوى الشعبیه ترکیب گردیدند. در حقیقت این حزب الحق بود که توانست خود را به عنوان دریچه شباب المومن و تفکرات سید حسین الحوثی به سیاست اعلام کند. وی از سال ۱۹۹۳م. تا ۱۹۹۷م. نماینده صعده از طریق حزب الحق در پارلمان یمن بود (الدوسری، ۱۴۳۲ق: ص ۹-۱۶).

اتحاد دو یمن به خوبی توانست راه ورود به سیاست را برای انصارالله که احیای تفکر زیدی را دنبال می‌کرد، ولی در یمن شمالی به حاشیه رفته بود، باز کند و فعالیت خود را ذیل حمایت حمایت حزب الحق گسترش دهد.

## ۶. جنگ دوم خلیج فارس و تضعیف علی عبدالله صالح

صالح که پس از اتحاد دو یمن در رأس قدرت قرار گرفته بود، از ترس قدرت عربستان، روابط خود را با صدام حسین در عراق گسترش داده و یکی از متحدین اصلی وی به حساب می‌آمد (توال، ۱۳۷۶: ص ۱۱۵-۱۱۶). یمن شمالی در جنگ بین ایران و عراق، در حمایت از صدام، نیرو اعزام کرد و فرماندهان خود را تحت نظر نیروهای صدام تربیت می‌کرد (السویدی، ۱۹۹۸م: ص ۲۶). اما حمایت صالح از صدام در حمله به کویت در سال ۱۹۹۰-۱۹۹۱م، خطای بزرگی بود که باعث تضعیف موقعیت او در حکومت و شروع درگیری‌ها در یمن شد.

علی عبدالله صالح نتوانست به خوبی اتحاد را حفظ کند و با تصمیمات اشتباه خود باعث ایجاد وضعیت بد اقتصادی در یمن شد. اما فشار اقتصادی زمانی مقدمات اعتراضات فراگیر را محیاء کرد که صالح، حمایت همه‌جانبه خود را از صدام در حمله به کویت اعلام نمود (البیضاوی، ۱۹۹۱م: ص ۸۵). این حمایت زمانی صورت گرفت که حمله صدام به معنای حمله به ماهیت عرب واحد بود و حمایت از او باعث تحریم دولت یمن از طرف دولت‌های عربی منطقه و اخراج نزدیک به یک میلیون کارگر یمنی شد (همان: ص ۷۲). سیل بازگشت کارگر بیکار به یمن باعث مضاعف شدن مشکلات اقتصادی، تضعیف جایگاه علی عبدالله صالح و شروع اعتراضات فراگیر در یمن و به خصوص در جنوب شد.

صالح دست از اشتباهاتش بر نداشت و برای پیروزی در انتخابات سال ۱۹۹۳م. با وعده اعطای مسئولیت‌های کلان به قبایل، با آنان هم‌پیمان شد (السویدی، ۱۹۹۸م: ص ۴۷-۵۰). عملیاتی شدن



وعده‌ها پس از پیروزی صالح، مقدمات فساد فراگیر در دولت وی را ایجاد و همین امر به کمک فشار اقتصادی آمد و باعث ایجاد درگیری‌های گسترده سال ۱۹۹۴م. و قرار گرفتن دولت صالح در جایگاه ضعف نسبت به سعودی شد (الحجری، ۲۰۱۱م: ص ۳۴۱). یمن و عربستان از ادعاهای مرزی تا دیدگاه‌های مذهبی، اختلافات گسترده‌ای داشتند (الحکیم، ۱۴۳۹ق: ص ۱۲۳-۱۲۴) که ضعف صالح باعث قبول شرایط سعودی در این اختلافات و بازگشت یمن به اتحادیه عرب شد و یمن را به حیاط خلوت سعودی تبدیل کرد. نفوذ سعودی، گسترش تفکرات رادیکال اسلامی و خفقان بیشتر برای مذهب زیدیه در شمال یمن را به دنبال داشت (السویدی، ۱۹۹۸م: ص ۷۹-۸۰). شرایط فساد، ضعف مدیریت، بویژه در اقتصاد و گسترش تفکرات رادیکال سلفی با حمایت دولت و تبدیل شدن یمن به حیات خلوت سعودی باعث شد تا رهبران انصارالله فعالیت مذهبی و سیاسی خود را در مواجهه با دولت وقت گسترش دهند و همین امر، نفوذ این جنبش را بیشتر کرد.

#### ۷. حادثه یازده سپتامبر و مواجهه با امریکا

یازده سپتامبر ۲۰۰۱م. یکی از بزرگ‌ترین تحولات پس از جنگ جهانی دوم و فروپاشی شوروی بود. این رخداد، اثری مستقیم بر بنیان‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی جهان داشت و بیشترین تاثیر آن در حوزه غرب آسیا بود و بهانه حضور حداکثری امریکا در خاورمیانه را ایجاد کرد.

در این بین، وضعیت اسفناک سیاسی- اقتصادی دولت‌های عربی، ترس از وقایع جاری در خاورمیانه را برای آن‌ها بیشتر می‌کرد. سازمان ملل در همان سال، وضعیت کشورهای عربی را به حفره سیاه تشبیه کرده و وضعیت سیاسی- اقتصادی آن‌ها را باعث آشوب، نابسامانی اجتماعی، فساد، حالت اضطراری از طرف دولت‌ها ... و سایر موارد ظلم و ستم دانسته است (یوسف‌نژاد، ۱۳۸۴: ص ۶۴). به دنبال یازده سپتامبر، امریکا به کشورهای افغانستان و عراق حمله مستقیم کرد و در چندین نوبت، مسئولین ایالات متحده از طرح ایجاد خاورمیانه بزرگ در منطقه غرب آسیا صحبت کردند (حسین‌زاده، ۱۳۸۹: ص ۱۸۳). جورج دبلیو بوش، رئیس جمهور وقت امریکا در سخنرانی دانشگاه فلوریدای جنوبی خود پس از تصرف عراق و افغانستان، بیان داشت که طرح ارسالی امریکا به کشورهای عربی منطقه، چهار حوزه اصلاح و آزادسازی اقتصادها، ایجاد زمینه تغییرات سیاسی، ایجاد اصلاحات آموزشی و گسترش نقش زنان در اقتصاد و سیاست را در برمی‌گیرد (یوسف‌نژاد، ۱۳۸۴: ص ۶۶).

رخدادهای پس از واقعه یازده سپتامبر، فضای جهان عرب را دچار دلهره کرده بود. کشور یمن به دلیل وجود القاعده شبه‌جزیره و نقش یمنی‌ها در حمله به ناویواس اس‌کول<sup>۱</sup> و سفارت آمریکا در یمن و تلاش برای منفجر کردن هواپیمایی در دیترویت (احمدیان، ۱۳۹۵)، جزء متهمین اصلی از طرف نیویورک به حساب می‌آمد و از عواقب سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن در امان نبود.

فضای پس از حوادث یازده سپتامبر باعث شد جنبش انصارالله به ضدیت بیشتر با سلطه‌گری آمریکا تأکید کند. سید حسین الحوثی به صورت مکرر در صحبت‌هایش، آمریکا را اصل تروریست و شیطان بزرگ خطاب می‌کرد (الحوثی، ۲۰۱۰م: ص ۶۱۴، ۱۴۹۰، ۱۶۲۲). می‌توان گفت که گسترش تفکر ضد سلطه‌گری غرب توسط انصارالله در یمن، به دلیل فضای ایجاد شده توسط آمریکا بر علیه مسلمانان و به خصوص مردم یمن در پس حوادث یازده سپتامبر بود.

## ۸. جنگ‌های شش‌گانه و فعالیت‌های نظامی

واقعه یازده سپتامبر و اتهامات گسترده آمریکا به یمن باعث ترس علی عبدالله صالح و منعقد کردن پیمان مبارزه با تروریسم با واشنگتن شد. پس از انعقاد پیمان مذکور، روند ایجاد پایگاه برای آمریکا در یمن و ورود نیروهای آمریکایی به این کشور سرعت گرفت (قمصری جوینانی، ۱۳۹۴م: ص ۷۴).

پیروان مکتب زیدی در شمال و به خصوص منطقه صعده که تحت تعلیم سید حسین الحوثی قرار داشتند، علاوه بر مشکلات اجتماعی و اقتصادی فراگیر و خفقان ایجاد شده توسط علی عبدالله صالح، شاهد نفوذ استعمار جهانی تحت پیمان حکومت یمن نیز بودند. این عوامل باعث شد تا سید حسین الحوثی در دروس خود از خطر ورود آمریکا به یمن، تبعات آن و لزوم مبارزه با آن‌ها سخن گفته (همان: ص ۱۶۲۲) و دستور نصب و ابراز شعارهای مشهور انصارالله (الله اکبر، الموت لآمریکا، الموت لإسرائيل، اللعنه علی اليهود، النصر للإسلام) در اماکن عمومی را صادر کند (الحوثی، ۲۰۱۰م: ص ۱۵۳۲).

نفوذ گسترده شبکه سید حسین الحوثی در مناطق شمال یمن، نشر سریع شعارها و ایجاد حرکتی عمومی را به دنبال داشت. شبکه سید حسین الحوثی، فعالیت‌های اجتماعی گسترده‌ای را طرح‌ریزی و مدیریت می‌کردند که می‌توان قسمتی از آن را در تشکیل خیریه‌های کمک به مردم، ایجاد مدارس دینی،

تأسیس مراکز بهداشتی، حمایت مالی از دانشجویان با استعداد محروم، تلاش برای بهبود راه‌های روستایی و... اشاره کرد (سلطانیان، ۱۳۹۵: ص ۱۳۰).

نفوذ سید حسین الحوثی در شمال یمن و پراکندگی شبکه او در تمام جامعه هدف، ترس شدید علی عبدالله صالح را به دنبال داشت. ضعف گسترده حکومت در خدمات اجتماعی و اقتصادی و افزایش محرومیت‌ها، رشد شبکه مخالف حاکمیت در میان مردم را تسریع کرده بود که جنبش انصارالله در شمال از مهم‌ترین این موارد به حساب می‌آمد. صالح در سفر خود به آمریکا در سال ۲۰۰۴ م، پس از نشست سران هشت کشور اقتصادی، با بوش دیدار کرد و حمایت واشنگتن در حمله به مناطق شیعه‌نشین شمال یمن و مخصوصاً صعده را گرفت (قمصری جوینانی، ۱۳۹۴: ص ۷۵). بازگشت او از این سفر مقدمه‌ای بر جنگ‌های شش‌گانه حوثی‌ها بر علیه حکومت شد که منجر به شکل‌گیری شاخه نظامی انصارالله گردید.

پس از دریافت حمایت از آمریکا، حکومت یمن در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ م. دستور حمله گسترده به صعده، مرکز فعالیت انصارالله را صادر کرد (الدوسری، ۱۴۳۲ق: ص ۷۹). حکومت، در بیانیه‌ای، اقدام خود را در راستای مبارزه با حامیان حزب‌الله لبنان و ایران اعلام و بیان داشت، این مبارزه برای از بین بردن کسانی است که به دنبال احیای امامت زیدیه در یمن هستند. جنبش حوثی در ۲۶ ژوئن در بیانیه‌ای ادعاهای مذکور را رد و بر تبعیت از رئیس‌جمهور و نظام ریاستی تاکید کرد، اما از علی عبدالله صالح خواست تا در رابطه خود با آمریکا و حکومت سعودی بازنگری کند (همان: ص ۸۷).

نبرد اول، تا دهم سپتامبر ۲۰۰۴ م. طول کشید و علی عبدالله صالح پس از به شهادت رساندن سید حسین الحوثی در کوه‌های مُرّان واقع در جنوب استان صعده، بیانیه پیروزی و پایان تفکر احیای امامت را اعلام کرد، ولی این نبرد مقدمه‌ای بر پنج جنگ بعدی و نفوذ روزافزون تفکر انصارالله در مناطق شمال شد (قمصری جوینانی، ۱۳۹۴: ص ۷۶).

پس از پایان جنگ اول، شیعیان زیدی مناطق دیگر برای بازسازی و حمایت از مردم مناطق جنگ زده وارد صعده، مُرّان و اطراف آن شدند. این امر باعث ترس حکومت شد و با دستور ورود ارتش به مناطق جنگ، فضای حکومت نظامی ایجاد کرد. صالح دستور ممانعت از برگزاری محافل زیدی را صادر و در مقابل، از خطیبان مصری در مناطق زیدی‌نشین استفاده کرد (شیخ حسینی، ۱۳۹۳: ص ۱۳۷). وی به‌زعم خود توانسته بود جلوی گسترش مکتب انقلابی سید حسین را بگیرد، ولی امور به این شکل پیش نرفت و

اتفاقات، نشر سریع تر تفکرات انصارالله در مناطق زیدی را به دنبال داشت.

فشارهای ایجاد شده پس از جنگ ۲۰۰۴م، باعث کوچ بدرالدین الحوثی از صعده به کوه‌های صععب العبور این استان شد. عبدالملک بدرالدین، رهبری حرکت را به دست گرفت و جنگ دوم در سال ۲۰۰۵م. آغاز شد. این جنگ که در آن شیعیان زیدی دیگر استان‌ها نیز به یاری حوثی‌ها آمده بودند، با وساطت علما و پس از حدود دو ماه به پایان رسید (الدوسری، ۱۴۳۲ق: ص ۸۱).

جنگ سوم نیز پس از چند ماه، در اواخر سال ۲۰۰۵م. و اوایل ۲۰۰۶م شکل گرفت. از خصوصیت‌های ویژه این نبرد، نسبت به درگیری‌های قبلی، نبرد قبایل حامی صالح و قبیله‌های حامی حوثی‌ها بود (همان: ص ۸۲). در این نبرد عبدالملک توانست مدیریت خوبی داشته باشد و به عنوان رهبری مورد قبول، خود را تثبیت کند. این جنگ به دلیل انتخابات ریاست جمهوری و شهرداری‌ها در سال ۲۰۰۶م، با توافق دو طرف پایان یافت (شیخ حسینی، ۱۳۹۳: ص ۱۳۹).

جنگ چهارم مابین فوریه تا ژوئیه سال ۲۰۰۷م، بیشتر شکل مبارزات ایدئولوژیک به خود گرفت و در این نبرد، حوثی‌ها علاوه بر درگیری با حکومت، یهودیان ساکن در صعده را مجبور به کوچ کردند و مسجد بن سلمان که از مراکز سلفی بود را منفجر نمودند. این اتفاقات باعث شد تا اروپا، حرکت شباب المومن یمن را به عنوان گروه تروریستی اعلام کند و همچنین آمریکا با فراخواندن سفیر یمن در واشنگتن، اعتراض و درخواست خود را به حکومت یمن اعلام کند که در پس آن، صالح اعلام نمود، حکومت یمن متعهد به حفاظت از یهودیان این کشور است (الدوسری، ۱۴۳۲ق: ص ۸۲). هرچند این نبرد با وساطت قطر پایان یافت (شیخ حسینی، ۱۳۹۳: ص ۱۴۰)، ولی اقدام صالح در حمایت رسمی از یهودیان و همچنین حرکت او برای دخالت دادن عربستان و آمریکا در سرکوب شیعیان مناطق شمال، باعث گستردگی بیشتر نبردهای بعدی شد.

پس از جنگ چهارم، علی عبدالله صالح به طور مستقیم، عربستان و آمریکا را وارد نبرد کرد و از آن‌ها در نبردهای زمینی و حملات هوایی استفاده نمود. این اقدام صالح باعث علاقه بیشتر یمنی‌ها به جنبش انصارالله به دلیل حس وطن دوستی شد. علی عبدالله صالح در سال ۲۰۰۸م، به بهانه تکراری ارتباط جنبش حوثی با ایران و حزب الله لبنان و اتهام تلاش انصارالله برای احیای امامت، وارد نبرد پنجم شد. در این نبرد، شیعیان از سلاح‌های سنگین استفاده کرده (همان: ص ۱۴۱) و به صنعا، پایتخت یمن برای اولین بار نزدیک شدند. صالح در این شرایط دست به دامان قطر شد و توافق آتش‌بس در تاریخ هفدهم ژوئن

۲۰۰۸م. مورد تایید دو طرف قرار گرفت (قمصری جوینانی، ۱۳۹۴: ص ۷۸). توافق صورت گرفته موجب سکوت صالح نشد و اقدامات رسانه‌ای و خفقان ایجاد شده توسط وی باعث شروع جنگ ششم در اوت ۲۰۰۹م. گردید. این نبرد که به جنگ زمین سوخته شهرت یافت، وسیع‌ترین درگیری محسوب می‌شد. دامنه درگیری‌ها در این نبرد به خاک سعودی نیز کشیده شد و واکنش و اعزام نیروی مستقیم از طرف سعودی را به دنبال داشت (الدوسری، ۱۴۳۲ق: ص ۸۸-۸۹). جنگ ششم نیز با قبول شرایط صالح توسط عبدالملک در تاریخ ۲۰ مارس ۲۰۱۰م. پایان یافت.

پس از اتمام جنگ‌های شش‌گانه در شمال، اعتراضات فراگیری، سرتاسر یمن را فراگرفت و با شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشورهای عربی، باعث شکل‌گیری مذاکرات منتهی به مبادره الخلیجیه در یمن و کناره‌گیری صالح و روی کار آمدن عبدربه منصور هادی شد.

از ثمره‌های مهم جنگ‌های شش‌گانه برای انصارالله، فراهم شدن فضا برای آموزش نظامی و هم‌پن‌طور گسترش تفکر ضد سلطه‌گری و انقلابی این گروه به کل یمن بود. صالح با آغاز جنگ بر علیه این جنبش، مقدمات پخش تفکر آن‌ها را به تمام یمن و حتی خارج از این کشور محیاء نمود.

## ۹. بیداری اسلامی و قدرت‌یابی

از اتفاقات مهم جهان عرب در دهه‌های گذشته، بیداری اسلامی است. بیداری با خودسوزی بوعزیزی در اعتراض به نابسامانی‌های اقتصادی و فساد فراگیر تونس آغاز و به سرعت در تمام جهان فراگیر شد. مقام معظم رهبری در خطبه عربی دهه فجر سال ۱۳۹۰ خود، خطاب به جوانان عربی در این مورد فرمودند: انتخابات تونس و مصر و شعارها و رویکردهای مردم یمن و بحرین و سایر سرزمین‌های عربی، علامت می‌دهد که همه می‌خواهند «مسلمان معاصر» بدون افراط خشک‌سرانه و تفریط غرب‌گرایانه باشند و با شعار «الله اکبر» می‌خواهند مسلمانانه، با ترکیب «معنویت»، «عدالت» و «عقلانیت»، و با روش «مردم‌سالاری دینی»، از پس تحقیر، استبداد، عقب‌ماندگی، استعمار، فساد، فقر و تبعیض صد ساله رهائی یابند و این درست‌ترین راه است». ایشان در ادامه در مورد دلایل شکل‌گیری بیداری اسلامی فرمودند: «رژیم‌های عربی که در معرض خشم مردمشان قرار گرفته‌اند، چه خصوصیات داشته‌اند؟ دین‌ستیزی، سرسپردگی و دست‌نشانده‌گی غرب، همکاری با صهیونیست‌ها و خیانت به فلسطین، دیکتاتوری‌های خانوادگی و وراثتی، فقر مردم و عقب‌ماندگی کشور در کنار ثروت‌های انبوه خانواده‌های حاکم، تبعیض و بی‌عدالتی و فقدان

آزادی قانونی و پاسخ‌گویی قانونی، از خصوصیات مشترک آن‌ها بوده است. حتی تظاهر به اسلام یا جمهوریت در برخی موارد نیز نتوانسته مردم را فریب دهد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰). از نظر جمال خاشقچی نیز: «بهار عربی یک حرکت تاریخی بزرگ بود که خداوند از داخل کشورها به جریان انداخت. اهمّ دلایل این جریان را می‌توان در رغبت جهان عرب به آزادی، عدالت و مشارکت در سرنوشت خود خلاصه کرد. بهار عربی، قیامی بر فقر، ظلم، رکود و دیکتاتوری، طلوعی برای امید به کرامت و حقوق مردم و شروعی دوباره در تاریخ عربی بود (خاشقچی، ۲۰۱۳م: ص ۲۰-۲۵).

یمن نیز از این دوران مستثنی نبود و پس از ۱۱ فوریه ۲۰۱۱م. اعتراضات، روند رو به رشدی را در این کشور و به خصوص در مناطق شمال به خود می‌دید. عوامل اعتراضات یمن را می‌توان طرح جانشینی احمد علی عبدالله صالح به جای پدرش، جنگ‌های شش‌گانه حوثی‌ها علیه حکومت، سرکوب‌های متعدد اعتراضات مدنی، فساد فراگیر، تبدیل یمن به حیات خلوت سعودی و رشد تفکرات سلفی دانست (حکیم، ۲۰۱۷م: ص ۲۹۶-۲۹۹). هرچند روند درگیری‌ها در یمن از سال ۲۰۱۱م. شدت گرفت، ولی مذاکرات سیاسی بین احزاب از سال ۲۰۰۷م. در جریان بود. یکی از نشست‌های کلان این کارگروه را می‌توان جلسه دوم تا هشتم نوامبر ۲۰۰۷م. در عدن دانست که از سران احزاب موتمر، اصلاح، اشتراکی، تنظیم الوحدی و البعث العربی برگزار شد (همان: ص ۳۲۶).

در یمن، کشورهای حوزه خلیج فارس به رهبری عربستان توانستند طرف‌های درگیر را در مذاکرات واحد جمع کنند که در نهایت منتهی به توافقی با نام «المبادره الخلیجیه» در ۲۴/۱۱/۲۰۱۱م. شد. از مهم‌ترین توافقات صورت گرفته در این مذاکرات، لزوم انتقال حکومت طی ۶۰ روز و مصونیت قضایی علی عبدالله صالح و اطرافیان او پس از انتقال قدرت بود. به سرعت انتخابات برگزار و عبد ربه منصور هادی به عنوان رئیس جمهور انتقالی انتخاب و مأمور به اجرای مصوبات المبادره الخلیجیه شد (موتمر الحوار، ۲۰۱۳م: ص ۳۰۰-۳۰۷).

عدم اهتمام او به اجرای مصوبات و عدم بهبود فضای اقتصادی و سیاسی در یمن، باعث ایجاد مجدد درگیری‌ها شد. این اعتراضات که جنبش انصارالله یمن نیز به عنوان قسمت مهمی از آن شرکت داشت، در نهایت منجر به استعفاء و فرار هادی به ریاض و شروع جنگ میان عربستان و یمن شد. انصارالله در این برهه خود را به عنوان حامی اصلی مردم مطرح و پس از استعفای هادی، دولت نجات ملی را تشکیل داد و با ایستادن در صف اول مقاومت، به مهم‌ترین بازیگر سیاسی و نظامی در یمن تبدیل شد.

## ۱۰. نتیجه‌گیری

تحولات پس از انقلاب اسلامی در ایران باعث شد تا تعدادی از جوانان زیدی متأثر از انقلاب و امام خمینی، با هدف احیای تفکر زیدی، جلساتی را در مساجد صعده آغاز و گروهی را با نام شباب‌المومن تأسیس کنند. اتحاد دو یمن در سال ۱۹۹۰م. باعث ایجاد فضای بازتر برای ورود گروه‌های متفاوت به عرصه سیاست شد و شباب‌المومن نیز در ذیل حزب‌الحق وارد عرصه سیاست گردید. حمایت صالح از صدام در حمله به کویت که اخراج کارمندان یمنی از کشورهای عربی را به دنبال داشت، فضای خراب اقتصادی یمن را بدتر کرد. جوانان شباب‌المومن که عمری به خاطر فعالیت مذهبی در حاشیه قرار گرفته بودند، به عنوان یک حزب سیاسی در قامت معترض به وضع کنونی برآمده و یکی از ارکان اصلی اعتراض به دولت مستقر شدند. صالح که در ضعف قرار گرفته بود، به سمت عربستان و آمریکا گروید و حادثه یازده سپتامبر نیز مزید بر علت شد تا مکتب زیدی به طور خاص و مسلمانان یمن به طور عمده تحت فشار قرار بگیرند. این فشار باعث شد تا رهبران شباب‌المومن به خصوص سید حسین الحوثی که دیگر خود را انصارالله می‌نامیدند، تفکر ضد سلطه‌گری غرب را رواج دهند. علی عبدالله صالح که تحت فشار سعودی و غرب بود، برای کنترل انصارالله به مناطق شمال یمن حمله کرد، ولی جنگ‌های شش‌گانه حکومت یمن با انصارالله باعث منتشر شدن تفکر این جنبش در کل یمن، بیشتر شدن طرفداران آن و ورود انصارالله به بُعد نظامی شد. بیداری اسلامی نیز که به دلیل فساد و ضعف حاکمان یمن در این کشور نیز اثر گذاشته بود، سقوط صالح را با واسطه کشورهای حاشیه خلیج به دنبال داشت. عدم توان رئیس‌جمهور دوران انتقالی در انجام به تعهدات توافق، باعث شد تا جنبش انصارالله با قیام بر علیه حکومت، دولت نجات ملی تشکیل دهد و عربستان به دلیل از دست دادن منافع خود در یمن با این دولت وارد جنگ شود. زمینه‌های سیاسی شش‌گانه مطرح در پژوهش حاضر به خوبی بیانگر روند تبدیل انصارالله از یک گروه فرهنگی به دنبال احیای تفکر زیدی به بازیگر تعیین‌کننده در کشور یمن و منطقه می‌باشد.

## منابع

- آل العقاب، عبدالوهاب (۲۰۰۹م). *الوحده الیمنیه: دراسه وثائقیه فی تاریخ الیمن النعاصر من مرحله الامام علی الی تاریخ الیمن المعاصر*. دمشق: دار رسلان.
- احمدیان، حسن (۱۳۹۵). *آینده ساختار و موازنه قدرت در یمن (بخش چهارم: چشم انداز تروریسم در یمن؛ القاعده و داعش)*. قابل دسترس در: <https://makhatertakfir.com/fa/articleview/478>
- بیضاوی، عبدالرحمن (۱۹۹۱م). *مأزق الیمن فی الصراع الخلیج*. قاهره: دارالمعارف.
- توال، فرانسوا (۱۳۷۶). *ژئوپولیتیک شیعه*. ترجمه کتابیون باصر. پاریس: خاوران.
- جزیلان، عبدالله (۱۹۸۷م). *التاریخ السر للثوره الیمنیه من سنه ۱۹۵۶ الی سنه ۱۹۶۲*. بیروت: العصر الجدید، چاپ سوم.
- جناحی، سعید احد (۱۹۹۲م). *حرکه الوطنیه الیمنیه من الثوره الی الوحده*. عدن: مرکز الامل للدراسات و النشر.
- جولوبوفسکایا، ایلینا (۱۹۸۲م). *ثوره ۲۶ سبتمبر فی الیمن*. ترجمه قائد محمد طربوش. بیروت: دار ابن خلدون.
- جهنی، مانع بن حماد (۱۴۲۰ق). *الموسوعه المیسره فی الأدیان و المذاهب و الأحزاب المیسره*. ریاض: دار الندوه العالمیه للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ چهارم.
- حجری، ابوصالح عبدالله بن نوح (۲۰۱۱م). *التحولات الزیدیه و عوامل الظهور الحوثیه*. قاهره: دار المحدثین.
- حسین زاده، اسماعیل (۱۳۸۹). *اقتصاد سیاسی نظامی گری آمریکا*. تهران: نشر نی.
- حکیم، بلال محمد (۱۴۳۹ق). *الأسباب الحقیقیه للعدوان السعودی الأمريكي علی الیمن*. صنعاء: مجلس الزیدی الاسلامی.
- حکیم، بلال محمد (۲۰۱۷م). *الیمن، من الربیع الثوره الی خریف العدوان*. صنعاء: رقم الایداع بدار الکتب الوطنیه، چاپ دوم.
- حوار، موتم (۲۰۱۳م). *وثیقہ الحوار الوطنی الشامل*. صنعاء: موتمر الحوار الوطنی الشامل/جمهوریه الیمنیه.
- حوثی، سید حسین (۲۰۱۰م). *ملازمات*. یحیی قاسم ابوعواضه. صعده: بی نا.
- خاشقچی، جمال (۲۰۱۳م). *ربیع العرب- زمن الإخوان*. دبی: دار مدارک للنشر، چاپ دوم.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). *خطبه‌های نماز جمعه، خطبه عربی به مناسبت بیداری اسلامی مسلمانان منطقه*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>
- دوسری، نایف بن سعید (۱۴۳۲ق). *الحرکه الحوثیه- دراسه منهجیه شامله*. بی جا: دار الصحوه العالمیه للطباعه و النشر.
- سلطانیان، فاطمه (۱۳۹۵). *نقش ساختار قبیله‌ای در تحولات سیاسی یمن سه دهه اخیر ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۴*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سویدی، جمال سند (۱۹۹۸م). *حرب الیمن ۱۹۹۴: الاسباب و النتائج*. أبوظبی: مرکز الامارات للدراسات و البحوث الاستراتیجیه، چاپ چهارم.
- شدوی، عبدالرحمن (۲۰۱۵م). *الحوثیون اصولهم و نشأتهم و عقائدهم*. لندن: مرکز الدرس للدراسات الاستراتیجیه و المستقبلیه.



- شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۳). جنبش انصارالله یمن. قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۶). زمینه‌های فکری- سیاسی خشونت‌گرایی در جهان اسلام و راهکارهای مواجهه با آن. رساله دکتری. قم: دانشکده علوم سیاسی، تاریخ و علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- صبری، عبدالله علی (۲۰۲۰م). نون و ما یعصفون. صنعاء: الإتحاد الإعلامیین الیمینین.
- صراف، علی (۱۹۹۲م). الیمن الجنوبی الحیاه السیاسیه من الاستعمار الی الوحده. لندن: ریاض الریس للکتب والنشر.
- عزان، محمد (۲۰۰۷). تنظیم الشباب المؤمن بالیمن الجزیره. قابل دسترس در:  
<https://www.aljazeera.net/programs/today-interview/2007/4/10/%D9%85%>
- عیسی، عبدالملک محمد عبدالله (۲۰۱۲م). حرکات الاسلام السیاسی فی الیمن. بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربیه.
- قمصری جوینانی، سید مجتبی (۱۳۹۴). نقش جنبش حوثی (انصارالله) در کاهش هژمونی منطقه‌ای عربستان سعودی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور تهران.
- یوسف‌نژاد، ابراهیم (۱۳۸۴). روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه عرب. مجلس و راهبرد، ۱۲ (۴۸): ص ۴۱-۸۰.